



گفت و گو با غلامرضا پاسبان حضرت، مدیر طرح احیای محوطه دیوار صفوی تهران

مرکز تاریخی هر شهر، شناسنامه آن است

ایرانیان سال هاست که با آب و عناصر طبیعی حتی در منازلشان مانوس هستند. قرار است محوطه دیوار صفوی که هسته اولیه شهر تهران بوده، نماینده معماری قدیمی ایرانی - اسلامی باشد و با گسترش درخت و آب و باغچه محیطی ایمن و آرام برای شهروندان به وجود آورد

در آن وجود داشت. هر رثی از مناطق دور هم که می آمدند بسیار نزدیکی با این محن می کرد و فکر می کرد که اینجا خانه خودش است. همه اینها ویژگی هایی است که در مکتب های مذهبی و خانه خصوصی در تیمچه ها و کاروانسرا وجود داشت. چهار باغچه و درخت و آب در همه بناهای قدیمی جایگاه ویژه ای داشت. در یک کلام، ایرانی ها سال ها با آب و عناصر طبیعی حتی در منازلشان مانوس بودند. روندی که سال هاست به فراموشی سپرده شده است.

ایمن عناصر در تهران هم از گذشته ها وجود داشت؟

بله. در تهران هم این پدیده حضوری جدی داشت. به عنوان مثال خیابان های ولیعصر، فلسطین و ۱۶ آذر نیز از این پدیده بهره مند بودند. در همه جای دنیا به درختان که سال به چشم هب را می و شهری نگاه کرده و اطرافش را آزاد می کنند و اجازه می دهند درختان، فضای خودشان را تصرف کنند.

شده است. این موضوع خیلی قابل قبول نیست. به همین دلیل در این طرح در ست است که ماه به ستر توجه می کنیم و آن را برای آرام سازی و آسایش سازی حرکت شهروندان آماده می کنیم. اما بهتر است به تجارب جهانی در این محدوده ها نیز توجه کنیم و جاذبه هایی از گذشته را نیز در این محدوده به کار گیریم. در گذشته ما عناصر بسیار درختانی بودند که می توان در سامانه های این مجموعه به کار بگیریم. مثلاً تمام خانه های ما دارای آب و درخت بودند. تمام اماکن ما و مقابر شخصیت های معروف درختان قدیمی که گاه قدمتشان به سدها سال می رسید داشتند. نمونه اش امامزاده حسن در همدان یا امامزاده صالح تهران ماری درختان قدیمی بودند که متأسفانه درختان امامزاده صالح را از بین بردند. یک نمونه خیلی زیبا نیز در حرم امام رضا بود. یک جوی آب از بالای حرم می آمد و از وسط صحن رد می شد و وارد صحن می شد. به نام صحن نوین صحن نوشیبه یک خانه بود. چهار تا باغچه در چهار طرفش داشت و چند درخت کاج نیز

نه اتفاقاً این پدیده در برخی کشورهای کمتر توسعه یافته نیز وجود دارد. به عنوان مثال در کشور سوریه در این باره اتفاقات بسیار جالبی افتاده است. مثلاً در شهر دمشق و حلب می توان شاهد رسیدگی به مرکز تاریخی شهر بود. در شهر حلب با بازسازی قلعه قدیمی این شهر که با کمک سازمان های بین المللی صورت گرفته، روح تازه ای به این بخش از شهر بخشیده شده و هم اکنون جشنواره های بین المللی بسیاری در این ناحیه از شهر برگزار می شود. این اتفاق باعث شده بسیاری از خانه های قدیمی حاشیه این منطقه به هتل و رستوران تبدیل شوند. به طوری که وقتی گردشگران در کوچه پسکوچه ها قدم می زنند، کاملاً یک روحیه شرقی قدیمی را می توانند ملاحظه کنند که برایشان جذابیت هم دارد. این قلعه به هویت شهر حلب تبدیل شده است. ما در ایران خیلی از این موضوع غفلت کردیم. به عنوان مثال ما مرکز شهر مشهد را تحریب کرده ایم. هر چه که می توانست جاذبه های مذهبی مشهد باشد خراب

شهر جعفر با مرکز شهری دیگر متفاوت است. از طرفی می فهمید چه اندازه بر این تفاوت از سوی مقامات شهری تأکید می شود. چرا که این تفاوت هویت بخش آن شهر است. به عنوان مثال شهر یورک در انگلیس دارای یک رودخانه است. از وسط شهر نیوگامبل نیز یک رودخانه عبور می کند. اما بر خورد این دو شهر با این پدیده طبیعی بسیار متفاوت است. این تفاوت بر آمده از موقعیت آن شهر و هویتی است که هر شهر برای خود ایجاد می کند. محدوده دیوار صفوی نیز می تواند به گونه ای بیانگر تاریخ شهر ما و پایتخت کشور باشد. این محدوده می تواند یکی از دلایلی باشد که مردم را به حضور در مرکز شهر سوق دهد. به ویژه کسانی را که به عنوان گردشگر فرهنگی معرفی می شوند. به این محدوده جذب کند. چرا که این عده از دانش گاهی برخوردارند و تقریباً همه آنها با یک کتاب به این محدوده مراجعه می کنند و به دنبال عناصری می گردند که مورد علاقه شان است.

آیا این پدیده تنها منحصر به کشورهای توسعه یافته است؟

تصور کنید تهران را هنگامی که دهی کوچک بودا شهری محصور در سیطره حصار شاه طهماسبی، هنگامی که برای نخستین بار آغا محمد خان قاجار از کنار آن عبور کرد و کوه های سر به فلک کشیده البرز و سوسه انگیز بود برایش به همین دلیل بود که پس از زیارت شاه عبدالعظیم حسنی دوباره به این روستای کوچک برگشت و با پادشاه حکومت قاجار به ادر آن پیروزی کرد. در ست از آن روزی که برج و بارو های شاه طهماسبی یا دیوار صفوی این شهر در درخت و ششبر به تدریج گسترش یافت، تا امروز کسی در اندیشه احیای آن محدوده تاریخی از شهر نبود. هر بار هم که شهر داری می آمد، سعی در تخریب شهر داشت. چه افکار بر بود و چه چیزی که ابتدای سده حاضر در واز های قدیمی تهران را بر جید و از میان برد و چه شهر داری که هر روز به هر بهانه بر بافت قدیمی شهر تاختند تا هر روز این شهر از بناهای قدیمی بیشتر تهی شود. اما این روز ها اهنگی دیگر در شهر تاختن گرفته است. اهنگی که بزرگترین نواپش، احیای محوطه دیوار صفوی شهر است. به تعبیر غلامرضا پاسبان حضرت، مدیر طرح احیای محوطه دیوار صفوی شهری که با گذشته اش پیوند نداشته باشد، از هویت تهی خواهد شد. هویت یک شهر هم در فرهنگ، تاریخ و سنت های به جا مانده از گذشتگان معنا می یابد. متن زیر گفت و گوی ماست با غلامرضا پاسبان حضرت، معمار و مدیر مطالعات و طراحی شرکت بافت شهر.

عباس تابشی راه

چگونه مطرح شد؟ ایده اولیه این طرح از کجا آمد و

شهر داری منطقه ۱۲ ابتدا برای ساماندهی محدوده خیابان های باب همايون، داور، صور اسرافیل و ناصر خسرو از ماموریت گرفت. قرار بر این بود که ما تنها کیفیت بستر این حوزه را بهتر کنیم. طی جلسات مختلفی که با شهرداری تهران داشتیم و با توجه به دیدگاه شهر در منطقه ۱۲ که فائق به حفظ این محدوده از تهران بود، پیشنهاد ما به شهرداری مورد توجه قرار گرفت و ایده اصلی این طرح طی جلسات متعدد با شهرداری منطقه تکمیل شد. پیشنهاد ما این بود که ساماندهی بستر این محدوده با ایده خاص صورت گیرد. چرا که در طول ۹ دهه اخیر، ملاحظات و مشاهدات عینی از سراسر جهان حتی شهر های در حال توسعه نیز موبد این موضوع بود که محدوده مرکزی شهر های جهان به عنوان یک محدوده میراثی تلقی می شود. میراث تاریخی ای که هویت بخش شهر هایشان است. به عنوان مثال شما در یک شهر از وای می متوجه می شوید که مرکز یک

زیر گذر

خاطره سازی در روزهای شاد و شب های پرستاره قلب تهران

دکتر علی اسفندیجی
حتی تصورش هم دشوار است؛ اینکه در شهری زندگی کنیم که مظاهر آن شبیه شهر است اما خالی از فضاهای سرزنده، باشناط و خاطره ساز باشد. فضاهای خاطره ساز، روح شهرند و هویت شهر در گرو وجود آنهاست. چطور؟ ببینید، خود ما اگر بخواهیم راجع به خودمان، اطرالقلمان و زندگی مان اندیشه کنیم، پیش از هر چیز ذهنمان به کدام سو می رود؟ حتماً بخش بزرگی از آن مرور خاطرات تلخ و شیرین است و لحظات با هم بودن شکل گیری خاطرات، هویت ساز است. چون ما را به گذشته پیوند می دهد و به زندگی مان معنا می بخشد. اما همیشه همه خاطرات یادمان نمی ماند و برای یادآوری آنها مجبوریم از دوربین و ضبط و نوشتن و بازگو کردن برای دیگران کمک بگیریم. گاه دوباره به همان مکان هایی می رویم که خاطراتمان آنجا شکل گرفته اند. البته بعضی از خاطرات، آن قدر مهم هستند که به راحتی فراموش نمی شوند. این خاطرات تاز، یا آنهایی هستند که فراموشی سر نوشت ساز از زندگی مان بوده اند (مانند ازدواج) یا جسی منحصر به فرد را برای ما یاد آورده اند. مانند دیدن رویدادهای تلخ و شیرین استثنایی از نزدیک.

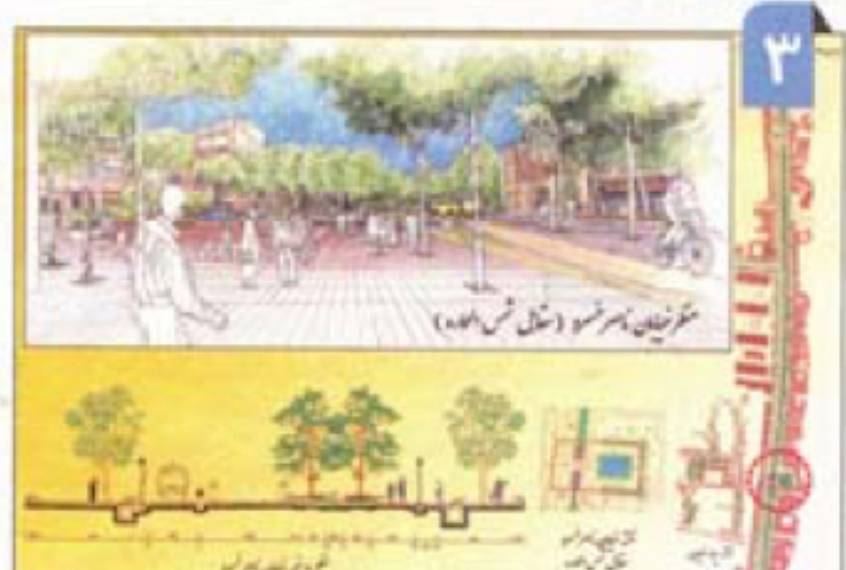
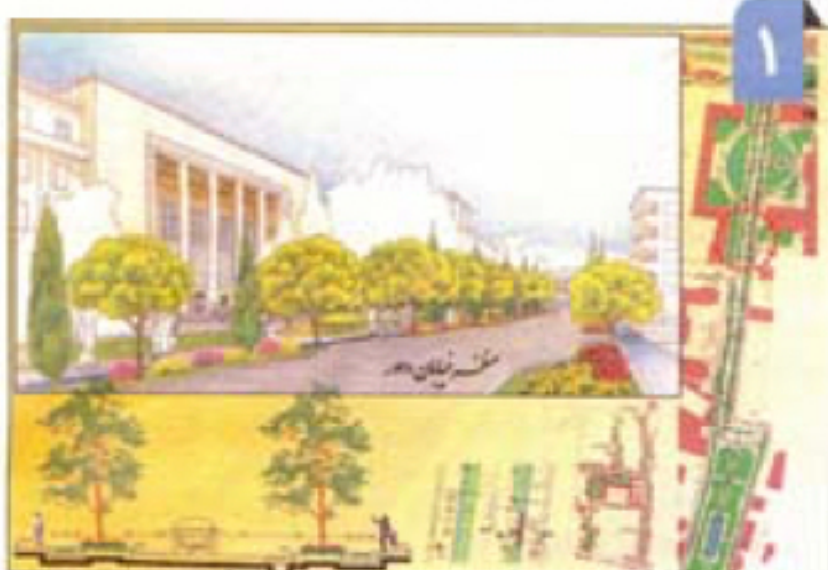
گذشته از همه این حرف ها تقریباً همه ما بر این باوریم که تا می توانیم باید هر چه بیشتر اقبالیتهای از خاطرات گوناگون داشته باشیم و جای آنها را در گوشه ذهن محکم و استوار کنیم. این یک نیاز طبیعی و همگانی است. اصلاً نگویند خاطرات، گنج نهان آدم های شاد و سرزنده است. همان هایی که حرف های زیادی برای گفت و گو با دیگران دارند و زندگی را رنگارنگ تر می کنند و همواره در دایای ماندنی از خود به جای می گذارند.

برگردیم به شهر، اما این بار از این منظر که فضاهای شهری چگونه می توانند خاطره ساز باشند؟ و آیا ساماندهی شهر مسئولیتی در این باره دارد؟ پاسخ هر دو پرسش مثبت است. حتماً بخش عمده ای از خاطرات جمعی شهر و ندان، مرهون وجود فضاهای شهری خاطره ساز است و به طور حتم مدیران شهری مسئول شکل دهی این نوع فضاها چون مدیر شهر، هم باید پاسخگوی کالبد شهر باشد و هم روح شهر. اما به صرف اینکه چنین تائیدیه ای را برای پرسش هایمان صادر کردیم، کار تمام نمی شود بلکه تازه اول راه است. باید در نظر داشته باشیم که هر فضای شهری از و ما می تواند بستر شکل گیری خاطرات جمعی و استمرار آنها باشد. به همین خاطر است که در برخی شهر ها که ویژگی هایی خاص دارند، خاطرات بیشتر و ماندگارتری شکل می گیرد.

امنیت و ایمنی نخستین نیاز هایی هستند که مدیر شهری هوشمند برای چنین فضاهایی در نظر می گیرد. بعد از آن موضوع کار کرد مطرح می شود. کار کرد های فضای خاطره ساز شهری، می تواند از آبیای وسیع و گوناگون را در بر گیرد. خرید و داد و ستد گذران اوقات فراغت در محیطی شاد و مفرح، باتوق ملاقات و گفت و گو، آشنایی با میراث تاریخی و فرهنگی پیشینیان، استفاده از طبیعت زیبا و مناظر چشم نواز و... حال اگر بتوان همه این کار کرد ها را یکجا گرد آورد می شود نور علی نور! پس اگر در مکانی دارای پیشینه تاریخی و فرهنگی، در مجاورت بازار، در مکانی که دسترسی به اماکن از هر نقطه شهر آسان است، بدون مزاحمت آلودگی و ترافیک و تردد خودرو ها، باتوق هایی با چشم انداز زیبا، پائین آمده ای زیر سایه درختان و در کنار حوضچه های آب زلال و روان، با نورپردازی مناسب و طبیعت مفرح و پر خور و از امکانات گوناگون پیش بینی شود، گامی بلند برای شکل گیری اجتماعات انسانی برداشته شده است. فضای سرشار از حضور شادمانه و سرزنده مردمی که نیاز مند آفرینش خاطرات و یادآوری آنها به فضایی که در آن، گپ و گفت های دوستانه جایگزین هیاهوی خودرو شده است و یادشدهای پرستاره تهران قدیم را در بافت تاریخی شهر برای خانواده ها زنده می کند تا دوران دیرپای سلطه سکوت سکون و سردی شب های خیابان های اطراف بازار پایتخت را به فراموشی سپارد.

باغ، بازار و گلستان

این تصاویر نشان می‌دهند که معابر اطراف بازار مانند باب همايون، صور اسرافيل، داور، ناصر خسرو و ميدان ازگ قرار است در آینده چه شکلی باشند.



فضای سبز و عرصه‌هایی برای بازی فیزیکی خاص چیز دیگری ندارد. شهر و نشان می‌توانند در این باره برای مفلسی وقت بگذرانند و به‌تلاش ادامه می‌توانند به عنوان عرصه‌ای برای گذران اوقات فراغت به آن بپردازند. چرا که زمین‌های بازی و ورزش در شب در این باره قرار ندارد اما این محدوده مجموعه‌ای از امکانات و فضاهایی است که شهروندان می‌توانند شب‌ها نیز از آنها بهره ببرند. شهروندان می‌توانند در این محدوده که در دست زنده‌سازی قرار دارد گردش کنند. معابر معاصر زیادی در این محدوده وجود دارد. ممکن است بازه‌های کنار معابر معاصر این بخش مورد توجه باشد اما هیچ‌گاه نظرمان را جلب نکرده باشد. به عنوان مثال کنفرانسی‌هایی که در این محدوده وجود دارد امکان آن را دارند تا از فضای باز این محدوده استفاده کنند و کتاب‌ها را در فضای باز محدود معابر معاصر از آن کنند. متلازمه مناسب نمایشگاه کتاب در آن نیست. آنها هم می‌توانند در جای دیگر شهر که همین محدوده است، به عرصه

در یونان خیلی به فضای سبز اهمیت می‌دهند. بخش عمده‌ای از گردشگری این کشور از پیوند میراث تاریخی و طبیعی با هم شکل گرفته است. همین مورد را در اتریش و سوئیس می‌توان دید. در کنار مسجدهای تاریخی این فضا وجود دارد اما ما در چند دهه اخیر از این فضا دور شده‌ایم و تاثیر آن بر روح و روان شهروندان را نمی‌توانیم ببینیم. محاسبات و برآیندهای و ناامیدی دستاوردهای این اتفاق است.

مسلمانان را هستی، برگشتن به طبیعت و عناصر طبیعی در زندگی شهری است. ما در این طرح پیشنهاد داریم تا به محوطه تاریخی که در قلب پایتخت وجود دارد آب‌بازیم و درختکاری سنتی تهران را در آن احیا کنیم و عرصه را از حضور خودرو خالی کنیم. خوشبختانه در این محدوده آب‌هیبه قدر کافی وجود دارد. در این محدوده چند چاه عمیق قرار دارد که در حلق حاضر استفاده خاصی از آن نمی‌شود. حتی چند رشته قنات نیز

در این محدوده وجود دارد که از آنها استفاده خواهیم کرد. یکی از چیزهایی که قبلاً در ایران وجود داشت و هم‌اکنون در خیابان از بین رفته است این می‌تواند در حرکت بود. تقریباً در نزدیکی بازارهای ایران خیلی کم بود، چرا که اگر در دمی خواستند قرار کنند جمعیت زیادی آن را احاطه می‌کرد اما با حضور خودرو و موتورسیکلت، این اتفاق شایع بیشتری یافته است.

ما تلاش کردیم که این محدوده را عاری از وسایل نقلیه کنیم و تنها یک مسیر برای چرخ‌های دستی طراحی شده است. می‌خواهیم آب و گیاه و درخت را برگردانیم و این‌طور هم که با این اطلاعات این مجموعه سبز و آبمن باشد و آن پرندگانی که رفت‌وآمد بر گردند و به نظر من این کار شگفتی است چرا که پرندگان از آلودگی و هیاهو ها اگر به‌تلاش وقتی ما این محدوده را آرام کنیم، هم مردم بدان پناه می‌آورند، هم پرندگان من مطمئنم که میزان مراجعه مردم به‌ویژه خانواده‌ها به این مجموعه بیشتر خواهد شد، چرا که جایی برای گذران اوقات فراغت همه شهروندان خواهد شد.

برای گذران اوقات فراغت مفید باشد، چرا؟ یکی از مواردی که من مطمئن هستم روی خواهد داد این است که این محدوده به محلی برای گذران اوقات فراغت شهروندان تبدیل خواهد شد. به عنوان مثال در کنار این محدوده پارک شهر قرار دارد این پارک یک عرصه فضای سبز است و غیر از

کتاب‌پژدارند. من فکر می‌کنم مردم بیشتر استقبال خواهند کرد چرا که نمایشگاه کتاب به دلیل شلوغی و جمعیت، امکان مطالعه و تدقیق بیشتر را فراهم نمی‌آورد اما وجود چنین عرصه عمومی در این منطقه این امکان را به شهروندان می‌دهد که تا یک کتاب را با توری و حتی مطالعه موردی راحت‌تر انتخاب کنند. بگذارید باز یک تجربه جهانی بگویم. در یونان زیر تپه‌های آکروپولیس یک خیابان بزرگ قرار دارد که شب‌ها به روی خودروها بسته می‌شود. جالب است که بدانیم در این خیابان چند مغازه کتاب کوپه‌های و روشی قرار دارد. این مغازه‌ها در شب سندلی‌هایشان را در حریم خیابان‌ها قرار می‌دهند. این محله به قدری جذاب است که امکان ندارد کسی از این محدوده در شب بگذرد و توقف نکند. چرا که از تمام ملیت‌ها با زبان‌های مختلف می‌توان در این بخش آدم پیدا کرد. در ترکیه نیز چنین فضاهایی بسیار وجود دارد. مسلمانان اتفاقاً هم می‌توانند در تهران هم بیفتند، یعنی یک محوطه عمومی که تمام

شهر داری‌ها می‌آیند. به عنوان مثال در دمشق که عرض کردیم، یک خانه وجود دارد با عنوان خانه همیشری. این خانه می‌توانست ویران شود اما نشد. این خانه به یک رستوران قدیمی تبدیل شده است و پر از گردشگر یکی از اتمسفرات این بود که آن قدر یک پروژه را بزرگ جلوه می‌دهند که هیچ‌گاه به اجرا نمی‌رسید. به همین دلیل در این طرح اول به‌بستر توجه کردیم. به‌عنوان فاز بعدی احتمالاً به بازپیرایی بدنه‌ها و دیوارهای شهری توجه خواهیم کرد که اتفاقاً در این بخش مردم خودشان همکاری خواهند کرد. البته با کمک نهاد مدیریت شهری این اتفاق بیشتر قابل اجرا خواهد بود. پس از آن با هم زمان با آن نشان دادن روی خوش دولت به مردم در دستور کار قرار دارد. تغییر فضای محیطی ادارات دولتی و نهادهای رسمی و... مورد توجه است. خوشبختانه با همکاری و نظر مساعد وزارت دارایی و دادگستری دیوارهای اطراف ساختمان این دیوار را نخاله جمع‌آوری خواهد شد و جای خود را به فضای باز می‌دهد.

غلامرضا باستانیان حضرت معتقد است آن قدر تر اتم فعالیت‌ها در محدوده حصار ناصری زیاد است که تصور ساخت پیاده‌راه در آن محدوده خیلی سخت است. نمایه این موضوع را فراموش کنیم که سامانه‌های حمل و نقل می‌توانند یک نشانه باشد. وقتی این اتفاق بیفتد، زنده‌سازی تاریخ محدوده این حصار در سطح شهر گسترش می‌یابد و مردم شهر بیشتر به آن توجه می‌کنند. یک اتفاق که اخیراً هنوز یادش می‌دهد این است که بسیاری از کشورهای صنعتی‌های علمی و فرهنگی کشور ما را به نفع خود معاصر می‌کنند. این واقعیت تکرارناپذیر است که این اتفاق باعث می‌شود بخشی به این کشور ها خواهد شد. به نظر من هر اتفاقی باید از بعد کوچک شروع شود. اول لازم است محدوده حصار صفوی پس از سامانه‌های مناسب‌سازی و آبن‌سازی به ثبت جهانی برسد. پس از آن نیز از تخریب عناصر تاریخی محدوده منطقه ۲۲ که پر از بناها و ساختمان‌های معماران و شهرسازان، مدیون شهری و شورای شهر و حتی افراد عادی می‌تواند مطرح شود. نکته مهم این است که در تلاش می‌کنیم برای احیای هویت بازارش تا زمانی شکل می‌گیرد. هر چه ساده‌تر بر خورده شود. اثر گذار تر و ماندگار تر خواهد بود این بناها و محور ها و عناصر محیطی می‌توانند هویت یک شهر را باز یابند و توجه کنی برای حفظ جنبه‌های واقعی هر شهر به دور از اغراق عمل کنیم.